

افتتاحیه‌ی کرسی‌های نظریه‌پردازی انجمن مطالعات برنامه‌درسی  
ارائه دهنده: دکتر رحمت‌الله خسروی  
موضوع: معلم الهام‌بخش و کنشگر

ناقد: دکتر محمود مهرمحمدی  
موضوع نقد: ضرورت پردازش روایت برنامه‌ی درسی از معلم الهام‌بخش و کنشگر  
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱  
مقدمه:

مباحث دکتر خسروی فکورانه و دردمندانه بود.

من بر روایت مبتنی بر دانش برنامه‌ی درسی از معلم الهام‌بخش و کنشگر یا سوژگی معلم تکیه کنم (در کل اسلایدهای دکتر خسروی از لفظ برنامه‌ی درسی، برنامه‌ریزی درسی یا .. استفاده نشده!).

معتقدم جای چنین پردازشی از موضوع این کرسی خالی است و استفاده از قاموس برنامه‌ی درسی می‌تواند به سهم خودش جان تازه‌ای به رشته ببخشد. به عبارت دیگر، قلمرو گفتمان مطالعات برنامه‌ی درسی را باید تا سرحد امکان وسعت بخشید تا حتی الامکان به مباحثی از این سنخ پوشش دهد و دایره‌ی عمل و کنشگری متخصصان آن هم به تبع گسترش پیدا کند. گرچه ممکن است ارتزاق از پیکره‌ی دانش برنامه‌ی درسی در این عرصه تمام و کمال نباشد، اما **relevant** معرفی کردن دانش برنامه‌ی درسی حتی با ارائه‌ی سرپل‌های مفهومی برای بحث مربوطه موضوعیت دارد). یکی از آثار مهم تلاش برای پوشش دادن به مباحثی از این دست و پاسخگو دانستن حوزه‌ی دانشی برنامه‌ی درسی به آن چیست؟ تجدید حیات رشته در زادبوم اصلی‌اش که نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش و پرورش است، می‌تواند علقه‌ها را بیشتر کند و فکر "مهاجرت" از سرزمین مادری به سرزمین‌های دیگر را مهار یا محدود کند.

تم کلی: معلم در قامت برنامه‌ریز درسی

Teacher as curriculum developer

چون برنامه‌ریزی درسی خارج از کلاس یک فعل ناتمام است. فعلی گرچه لازم اما ناکافی.

تم‌های فرعی، ۱۰ گزاره در هم تنیده یا همان سرپل‌های مفهومی:

(۱) معلم به عنوان ترجمه‌کننده‌ی برنامه‌ی درسی به زبان کلاس درس

(۲) معلم به عنوان تدارک بیننده‌ی ویرایش دوم برنامه‌ی درسی قصد شده منطبق با حال

(۳) معلم به عنوان عامل تبدیل برنامه‌ی درسی قصد شده به برنامه‌ی درسی عملیاتی شده

(۴) معلم به عنوان زنده کننده‌ی برنامه‌ی درسی بی جان

(۵) معلم به عنوان متخصص انطباق برنامه‌ی درسی غیر حساس به بافت و با مخاطب عام (غایب) به برنامه‌ی درسی حساس به بافت و با مختصات مخاطب خاص (حاضر)

(۶) معلمی کردن یعنی برخورداری از عاملیت که تن به اقتضائات فهم منسوخ teacher proof curriculum نمی‌دهد و خود را "فرمانروای" کلاس درس می‌داند.

(۷) معلمی کردن یعنی شهامت و شجاعت دخل و تصرف در برنامه‌ی درسی قصد شده را داشتن و از ترس شکست/مرگ تن به انفعال که خودکشی است ندادن.

(۸) معلمی کردن یعنی برنامه‌ی درسی را به مثابه "قلب نظام آموزشی" به رسمیت شناختن و البته کارکرد قلب را به غلط فقط پمپاژ بزرگ یا systole ندانستن (همان برنامه‌ی درسی قصد شده)، بلکه پمپاژ کوچک یا dystole را هم در فیزیولوژی قلب دیدن و لذا خود را عامل و منبع تامین و تدارک اکسیژن از بافت و موقعیت برای تصفیه‌ی خون دانستن. بدین‌گونه استعاره‌ی قلب نظام آموزشی به معنای دقیق آن تحقق پیدا خواهد کرد.

(۹) جوهر برنامه‌ی درسی اگر فرصت‌های یادگیری است، جوهر معلمی هم در بازسازی و بازآرایی این فرصت‌ها به‌گونه‌ای است که متضمن کسب تجارب یادگیری عمیق، غنی و ماندگار برای دانش‌آموزان باشد.

(۱۰) معلمی کردن یعنی تجربیات عاملیتی و کنشگرانه‌ی خود را در قامت برنامه‌ریز درسی مدون می‌کند تا از طریق واکاوی فردی/شخصی self study و واکاوی جمعی به خلق "خرد عملی برنامه‌ریزی درسی" کمک کند... نقش دانشی و معرفتی (پژوهشی) ... اشاره به درس مربوطه در درس کارشناسی دانشگاه فرهنگیان هم بکنم که هدف آن ارائه‌ی تصویری سودمند و کاربردی از دانش برنامه‌ی برای دانشجو معلمان است.